

## تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی در ایران

مرتضی شیرودی<sup>۱</sup>  
زهرا زحمتکش<sup>۲\*</sup>

### چکیده

**هدف:** گفتمان انقلاب اسلامی با هدف احیای ارزش‌های اسلامی در جامعه تحقق یافت. از این رو نقشی عظیم در احیای ارزش‌های اسلامی و روحانیت شیعی به رهبری امام خمینی (ره) پیدا کرد، در این راستا تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی یکی از مقوله‌های بسیار مهم و اساسی است. هدف از پژوهش حاضر، نیز بررسی تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی در ایران است.

**روش‌شناسی پژوهش:** برای تحلیل داده‌های نظری در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و تلاش شد با دسته‌بندی محتوای پیام‌ها و سخنان حضرت امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) در مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی استخراج و سپس، تأثیر مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی تبیین نماییم.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر مؤلفه‌های ابعاد هویت ملی، ارتقای احساس عضویت در جامعه ملی-ایرانی، افزایش اعتقاد به وحدت ملی در جامعه ایران، ازدیاد میل به دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی، ارتقا اصل همگرایی فرهنگی عدالت‌محور، حمایت از سیستم‌های کلان کشور و نفی از خودبیگانگی، تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر افزایش دامنه گسترش مخاطبان است که در این تحقیق، مورد بررسی قرار گرفته است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج تحقیق بیانگر آن است که گفتمان انقلاب اسلامی، بینش الهی مبتنی بر آئین اسلام را به بشریت ارائه می‌دهد اثر چشمگیری در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد، همچنین هویت ملی در سطح کلان، عاملی مهم جهت انسجام اجتماعی، حفظ نظم و وحدت تلقی می‌گردد، بنابراین، تزلزل و کم‌رنگ شدن آن، انسجام اجتماعی و پایه‌های همبستگی را ضعیف می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی، گفتمان، ایران و هویت ملی.

**Email:** dshirody@yahoo.com

۱- دانشیار علوم سیاسی مرکز پژوهشی تمدن اسلامی  
پیامبر اعظم (ص)، قم.

**Email:** z.zahmatkesh1@yahoo.com

۲- کارشناسی‌ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی و دانش  
آموخته سطح ۳ تاریخ اسلام جامعه الزهراء قم. (نویسنده  
مستقل)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

## مقدمه

در فرآیند انقلاب اسلامی، یک تشکیل گفتمانی دینی شکل گرفت که با تمام بداعتش ریشه در سنت دیرینه اسلام داشت و مانند یک ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی‌ساز جلوه‌گر شد. این گفتمان هویت‌ساز بر مؤلفه‌هایی از جمله محوریت توحید در زوایای مختلف زندگی بشری، تشکیل نظام معرفتی از دیدگاه جهان‌بینی اسلامی و بر پایه سیاست دین همچنین معرفت دینی در حیات اجتماعی، سیاسی، مرکزیت تئوری ولایت‌فقیه در شالوده حکومت جمهوری اسلامی، تغایر و مشخص نمودن سرحداتی هویت دینی انقلاب با جدایی دین از سیاست و تفکرات انسان‌محور استوار بود (تاجیک، ۲۰۰۰: ۱۱۲)؛ و اما کلیدواژه‌ای که تأثر آن در این پژوهش هدف اصلی قلمداد می‌شود، هویت ملی است که یکی از مقوله‌های بسیار مهم و اساسی تلقی می‌شود، به‌گونه‌ای که در سال‌های اخیر هم در ادبیات سیاسی-اجتماعی و حوزه‌های علمی و هم در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به‌صورت جزئی مورد توجه متفکران قرار گرفته است و البته هویت ملی مهم‌ترین نوع از انواع هویت است، زیرا در حوزه فرهنگ، اجتماع سیاست و اقتصاد نقش تعیین‌کننده دارد. به‌عبارت دیگر، هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی جدای از گرایش‌های ایدئولوژیک است. اهمیت مفهوم هویت ملی نسبت به سایر انواع هویت جمعی، در تأثیر بسیار آن بر حوزه‌های متفاوت زندگی در هر نظام اجتماعی است. از آنجایی که هویت نقطه عزیمت، پایگاه و منشأ انسجام اجتماعی و حفظ نظم در سطح کلان و لنگرگاه ثبات اجتماعی تلقی می‌گردد و عامل انسجام و وحدت است و خصلت تنظیم‌کنندگی را به تمام مردم اعطا می‌نماید، بنابراین تزلزل و کم‌رنگ شدن آن پایه‌های همبستگی و انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کند. پس می‌توان گفت پرداختن به بحث هویت ملی و تأثیر آن از انقلاب اسلامی ایران ضروری، مهم و حتی اجتناب‌ناپذیر است. از مؤلفه‌های اصلی دوام نظام‌های سیاسی و اجتماعی، هویت ملی است و یکی از اهداف مهم جامعه‌پذیری سیاسی تقویت ساختار هویت ملی در همه نظام‌های سیاسی است و لازمه این مفهوم در هر نهاد اجتماعی شناخت و سنجش میزان وضعیت هویت ملی است. مثلاً هویت ملی در حوزه سیاست، آرمان‌ها را تحقق می‌بخشد و موجب دستیابی به اهداف می‌شود یا به قدرت حاکم، مشروعیت می‌دهد و بر میزان نفوذ آن، می‌افزاید (زهیری، ۲۰۰۳: ۱۳۲). هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت به عوامل عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به‌عنوان واحد سیاسی است و بر اساس این تعریف، هویت ملی به‌عنوان مفهومی مرکب و چند رکنی در نظر گرفته شده است که در سطح ذهنیت و رفتار یک‌ایک شهروندان قابل بررسی و جست‌وجو است لذا در این پژوهش، به مطالعه و بررسی عناصر و منابع هویت ملی نیز می‌پردازیم.

معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی(ره) از جمله متفکرانی بودند که بر هویت ملی به‌عنوان یک مفهوم کلیدی تأکید داشتند و شناخت و تبیین دقیق آن را مهم‌ترین عامل شناخت اهداف و جهت‌گیری‌های هر نوع حرکت اصلاحی و نوسازی در کشورهای جهان سوم می‌دانستند.

ایشان با توسل به آموزه‌های اصیل دینی و بهره‌گیری از نظام معنایی و اندیشه‌ای نو و عمیق، توانست هویتی نوین و تحول‌ساز را ایجاد نماید، لذا برای شناخت اهداف و جهت‌گیری‌های هر نوع حرکت اصلاحی و نو ساخت به این مسئله مهم خواهیم پرداخت (ابوطالبی، ۱۹۹۹: ۱۰۱). اگر چه هویت ایرانی از میان همه تندبادهای تاریخ به سلامت گذشته و دستخوش تحول و دگرگونی اساسی نشده است، اما با اذعان به گسترش ارتباطات و با توجه به چشم طمع بیگانگان به هویت یکپارچه، ملی ما به این نتیجه می‌رسیم که تزلزل هویت ملی امکان تسلیم در برابر فرهنگ‌های دیگر بالاخص فرهنگ غربی را بیشتر می‌سازد، زیرا که انقلاب اسلامی بیش از هر مفهومی، وجه اسلامی - شیعی و نیز، هویت ایرانی را تقویت و به طرد هویت غربی پرداخته است. در نتیجه و در مجموع، پژوهش حاضر می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد: گفتمان انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ملی در ایران داشته است؟

### پیشینه تحقیق

با مطالعه در باب هویت ملی در ایران و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر آن کمتر به پژوهش و تحقیق متمرکز راجع به این موضوع دست یافتیم. البته مطالعات بسیار زیادی به صورت مبسوط به زوایای گوناگون هویت در ایران و از سوی دیگر انقلاب اسلامی ایران پرداخته شده است، اما مطالعات متمرکز و دقیقی راجع به هر دو متغیر و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی در ایران کمتر مشاهده شد و آنچه دیده می‌شد اغلب مطالعاتی پراکنده در این زمینه است. می‌توان گفت که تاکنون تحقیق مجزایی در خصوص تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی در ایران صورت نگرفته است.

در زمینه بررسی هویت ملی، هویت اسلامی - ایرانی و هویت انقلابی تحقیقات متعددی انجام شده است. با توجه به این که تحقیقات انجام شده می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای تحقیقات دیگر در نظر گرفته شود، در این زمینه به مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده پرداخته می‌شود:

رحیم ابوالحسنی (۲۰۰۷) در مقاله مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی چنین نتیجه گرفته که هویت ملی دارای ابعاد تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی است که هر یک از این ابعاد، دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌های خاص می‌باشد.

سید مرتضی هزاوی و فاطمه حسینی (۲۰۱۶) نیز، در تحقیقی با عنوان انقلاب اسلامی و تحول در هویت ملی ایران، به برخی از نمودها و بروزهای بازتولید اهداف انقلابی ضداستبدادی از رهگذر برداشت‌های جدید، هویت ملی ایرانی در ذیل گفتمان انقلاب اسلامی را تجزیه و تحلیل نموده‌اند.

غفار زارعی و سلیمان قاسم‌پور (۲۰۲۴) نیز، در پژوهشی به ارتباط تحلیلی بر ابعاد جغرافیای سیاسی با تأکید بر هویت ملی در گفتمان انقلاب اسلامی از منظر اندیشه امام خمینی (ره) پرداخته است. نویسندگان از خصوصیات عناصر شکل‌دهنده گفتمان انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

سؤال نموده‌اند و به‌منظور ارائه پاسخی مناسب برای این پرسش، عناصر استقلال، کرامت، ظلم‌ناپذیری، جدایی‌ناپذیری دین از سیاست و کمک به مستضعفان، را مورد تحلیل قرار داده‌اند.

همچنین در مقاله خادم حسین صالحی (۲۰۱۸)، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بازخوانی آثار علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، تحت عنوان گفتمان انقلاب اسلامی مؤلف در این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی، با تکیه بر اندیشه‌های امام خمینی(ره) و آیت‌الله امام خامنه‌ای و قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین متن برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی، به بررسی و شرح گفتمان انقلاب اسلامی به ارائه مستندات قرآنی و روایی چند مؤلفه از مؤلفه‌های این گفتمان را مورد بررسی قرار داده است و به هویت ملی اشاره‌ای نداشته است.

هر چند تحقیقاتی از این قبیل متعدد و متنوع هستند، اما هر یک به شکل جداگانه به بررسی هویت و گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته است. پژوهش حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از دیدگاه‌های مطرح شده در این زمینه، رویکرد جدیدی را طرح کند و به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر هویت ملی در ایران بپردازد. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر آن است که پژوهش آنان به‌صورت جداگانه به عناصر هویت ملی پرداخته است، اما با توجه به اهمیت دو متغیر، هدف از پرداختن به این موضوع یعنی «تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی در ایران» شناخت هر چه بیشتر گفتمان انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر هویت ملی می‌باشد زیرا بحث هویت ملی بسیار حائز اهمیت است چرا که هر چه بیشتر به زوایای این تحول، عظیم (انقلاب اسلامی ایران) دقت کنیم کمتر دچار اشتباه خواهیم شد. در واقع پژوهش حاضر درصدد است تا عناصر قوام بخش را مطرح کند و می‌توان گفت رویکرد پژوهش حاضر، آینده پژوهانه است.

## تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

### ۱- مفهوم گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب عظیمی که در بهمن ۱۳۵۷ در ایران به پیروزی رسید، مهم‌ترین رویداد سیاسی- اجتماعی تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. این رویداد، نقطه عطفی در تاریخ ایران بود که به لحاظ سلبی خط بطلانی بر بسیاری مناسبات و روابط سیاسی- اجتماعی کشور کشید و به لحاظ ایجابی مناسبات جدیدی را بنیان نهاد. برآیند همه اتفاقات منجر به انقلاب اسلامی عمومیت‌یافتن گفتمانی بود که مختصات خاص خودش را دارد (زهیری، ۲۰۰۳: ۱۱۲). گفتمان انقلاب اسلامی در شرایطی به بلوغ و منزلت هژمونیک (سیادت) رسید که دنیا تسلیم نگاه ماتریالیستی (اصالت ماده)، اومانستی (اصالت انسان) و سکولاریستی (جدایی دین از عرصه عمومی) شده بود. گفتمان انقلاب اسلامی در مسیر انقلاب شکل گرفت و بر رویکردهای اجتماعی تأثیر گذاشت. به عبارتی، انقلاب ایران نقطه آغاز قواعد اندیشگی جدید است. در این انقلاب، اندیشه امام خمینی(ره) قابلیت دسترسی و اعتبار داشت و توانست بر گفتمان‌های رقیب فائق آید. پیروزی انقلاب اسلامی و استیلا یافتن گفتمان جدید حاصل دو جهت

فکری امام(ره): یکی احیای دیانت و سنت و دیگری اصلاح جامعه است (حسینی‌زاده، ۱۹۹۹: ۱۹۵). در گفتمان انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی از گذرگاهی فرهنگی استیلا می‌یابد و اسلام، دال برتر است و در نتیجه، نوع انسان‌شناسی و ویژگی‌هایی که از انسان در آن مفصل‌بندی شکل می‌گیرد و شاکله هویت افراد را رقم می‌زند؛ در واقع، اسلامی که امام خمینی(ره) مفسر آن است دال مرکزی گفتمان انقلاب به‌شمار می‌رود و مهم‌ترین وظیفه‌ای که امام از همان سال‌های بعد از سقوط رضاخان در سرلوحه مبارزات فکری و سیاسی خود قرار داد، شالوده‌شکنی گفتمان‌های عقلی، دینی نظام سلطنتی بود (گل محمدی، ۲۰۰۱: ۱۴۲). برآیند همه اتفاقات منجر به انقلاب اسلامی عمومیت یافتن گفتمانی بود که مختصات خاص خودش را دارد که از جمله این مختصات عبارت است از: توحید محوری و تسری امر قدسی در زوایای مختلف حیات بشری؛ تشکل نظام معرفتی از نظرگاه جهان‌بینی اسلامی؛ ابتناء سیاست بر دین و تعیین معرفت دینی در حیات سیاسی، اجتماعی، تفوق، دانش شریعت اندیش بر دانش طبیعت اندیش؛ محوریت نظریه ولایت فقیه در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی؛ غیریت‌سازی و معین کردن مرزهای هویت دینی گفتمان انقلاب با سکولاریسم و اندیشه‌های انسان‌مدارانه غربی؛ به عبارتی، قوام یافتن هویت ایرانی، در تقابل با هویت مدرنیستی، همچنین عناصری نظیر جمهوریت، مردم‌سالاری دینی، قانون‌مداری، روحانیت، عدالت‌طلبی و برابری جویی، نفی غرب‌گرایی و تلاش برای دستیابی به استقلال و به عبارتی، خوداتکایی، بازگشت به خویشتن و اصالت دادن به سنن بومی، آرمان شهادت‌طلبی و ایثار، آزادی‌خواهی مبارزه با استبداد و استعمار، رسیدگی به مستضعفین، علم‌گرایی و پیشرفت و... که حول دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، ولایت فقیه جمع شده و با هم زنجیره هم‌ارزی را به‌وجود می‌آورند.

## ۲- مفهوم هویت ملی

مشروع‌ترین سطح هویت در جامعه و عامل اتصال بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی هویت ملی است و تعریف خویشتن با ارجاع به گروهی به منزله نوعی هویت اجتماعی است که انسان خود را به آن متعلق می‌داند. چنین هویتی حس فداکاری و میهن‌دوستی، احساس تعهد و پیوندهای عاطفی را برمی‌انگیزد (ربانی، ۲۰۰۹: ۶۹). هویت ملی، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های دیدگاه‌های مثبت به عناصر و الگوهای هویت‌بخش متحد در سطح یک کشور و اصلی‌ترین شناسه‌های مشترک یک ملت به منزله یک واحد سیاسی است (صنیع‌اجلال، ۲۰۰۵: ۱۰۴)؛ همچنین هویت ملی به معنای وفاداری و احساس تعلق به متغیرها و مفاهیم مشترک در جوامع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است (یوسفی، ۲۰۰۱: ۱۷). از نظر جیمز تامپسون، عضویت در یک ملت و احساس تعلق به آن را هویت ملی تشکیل می‌دهد. ملتی که آداب و رسوم، سنت‌ها، نمادها، مکان‌های مقدس، قهرمانان تاریخی و سرزمین و فرهنگ معینی دارد (گل محمدی، ۲۰۰۱: ۶۳). اسمیت، هویت ملی را عبارت از بازتفسیر و بازتولید دائمی الگوهایی از نمادها، ارزش‌ها، خاطره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص ماهیت افراد با آن میراث و الگو را با عناصر فرهنگی می‌داند

(اسمیت، ۲۰۰۵: ۳۰). میلر معتقد است که زمانی ملت‌ها با هویت ملی معین پدید می‌آیند که نخست، اعضایشان یکدیگر را به صورت هموطن با ویژگی‌های مشترک بپذیرند؛ دوم، هویت ملی، تداوم تاریخی را تجسم بخشد؛ سوم، هویت ملی، هویت فعال باشد، یعنی ملت‌ها اجتماعی باشند که با یکدیگر تصمیم می‌گیرند، عمل می‌کنند و به نتیجه می‌رسند؛ جنبه چهارم آن، پیوند یک گروه از مردم به مکان جغرافیایی خاص است؛ در نهایت هویت ملی، مستلزم شراکت افراد سهیم در برخی موارد یا همان فرهنگ عمومی مشترک و منش ملی است (میلر، ۲۰۰۵: ۲۹-۳۴).

## مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی

### ۱- اطاعت از خدا و رسول(ص) و ائمه هدی

تردیدی نیست که گفتمان مهم‌ترین میدان بروز و ظهور اهداف و خواسته‌ها است و نیز مؤثرترین زمینه در جهت تحقق اهداف است به‌وسیله گفتمان توسعه اجتماعی فرهنگی و اقتصادی ممکن می‌گردد. زیرا افراد باتدبیر با گفتمان درست می‌توانند هم در زندگی شخصی خود امنیت آرامش به ارمغان بیاورند و هم می‌توانند به جامعه خود بلکه به کل جامعه انسانی امنیت آرامش به ارمغان بیاورند. از این‌رو است که خداوند متعال قرآن را معجزه جاوید پیامبر اسلام قرار داده است. قرآن گفتمان خدا و پیامبر او با مردم است. در قرآن تمام مؤلفه‌های دین اسلام بیان شده است هر انقلاب که در مسیر مؤلفه‌های قرآن قرار نگیرد اسلامی نیست.

یکی از مؤلفه‌هایی که بسیار مهم است در گفتمان انقلاب اسلامی اطاعت از خدا و رسول او و ائمه هدی است.

خداوند متعال در آیات متعدد وظیفه جامعه اسلامی را نسبت به خودش و رسولش و ائمه هدی معین نموده است که در ذیل به چند نمونه از آیات اشاره شده است. در قرآن کریم در آیات متعدد دستور به اطاعت و پیروی از خدا و رسولش داده است، «أطیعوا الله وأطیعوا الرسول» خداوند مردم را به اطاعت و پیروی از خود و رسولش دعوت می‌کند. در تمام این موارد اطاعت به صورت مطلق بیان شده است مقید به موضع خاص نیست شامل امور اعتقادی، عبادی، سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی می‌شوند. در واقع آیات مقید به زمانی خاص نیست؛ یعنی تا روز قیامت باید مطیع فرمان خدا و رسول خدا(ص) باشید و واجب است بر مسلمانان که از خدا و رسول او پیروی کنند. اطاعت از خدا و رسولش رکن اصلی مسلمان بودن است و اگر کسی از خدا و رسول خدا اطاعت نکند مسلمان نیست. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید از مسائل مهم سیاسی قرآن جلوگیری از اختلاف و دعوت به وحدت است که با تعبیر منع تنازع بین مسلمانان و سران آنها در قرآن کریم آمده است که در آیه ۴۶ سوره انفال، (لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ، وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) خدا و

پیامبرش را پیروی کنید و با هم نزاع نکنید که سست می‌شوید و هیبت شما از بین می‌رود و شکیبایی کنید؛ زیرا خدا با شکیبایان است اشاره شده است (صحیفه نور، ج ۵: ۳۸۸).

۱-۱- حفظ اسلام: حفظ اسلام بالاتر از تمام فرایض یک فریضه الهی است؛ اسلام و حکومت اسلامی مظهر الهی است که انسان‌ها را به آرمان مطلوب خود برساند؛ و در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز کوتاهی ننموده است؛ و برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، مکتبی است که در تمام امور فردی، اجتماعی، مادی و معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. مخصوصاً بر ملت ایران و بر همه مسلمانان واجب است این امانت الهی را که در ایران به‌طور رسمی اعلام شده با تمام توان حفظ نموده تا در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورد، و در راه رفع موانع و مشکلات آن و ایجاد مقتضیات بقای آن کوشش نمایند تا پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی بتابد و تمام دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر تفاهم در این امر نمایند و دست ابرقدرتهای عالم و جنایتکاران تاریخ را تا همیشه از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند. از جمله مؤلفه‌هایی که در گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد دفاع از اسلام و کیان اسلامی است. امام خمینی(ره) حفظ اسلام را که یک تکلیف بسیار بزرگ در ایران است را از همه تکالیف بالاتر معرفی می‌کند. همچنین ایشان در ادامه می‌فرماید «موقع خطر تکلیف شرعی الهی و ملی، دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی است». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا در این باره می‌فرمایند: «این نظام با اسلام ایجاد شد و رشد نمود و با اسلام هم زنده می‌ماند. ما برای حفظ اسلام تا آخر خواهیم ایستاد. حفظ نظام در واقع حفظ همه ارزش‌هایی است که نظام اسلامی خودش را به آنها متعهد می‌داند؛ مثل عدالت، علم، اخلاق، پیشرفت، معنویت، مردم سالاری، قانون‌گرایی، و آرمان‌گرایی که جزو ساختار اصلی نظام اسلامی است و نظام اسلامی بدون اهداف متعالی، سطحی و ظاهری است».

۱-۲- دفاع از نظام اسلامی: در گفتمان انقلاب اسلامی دفاع از نظام اسلامی یعنی دفاع از توحید و حق و عدالت، دفاع از قرآن و سنت نبوی و امامت و آزادی و استقلال مسلمین و دفاع از مظلومین و ستمدیدگان در برابر کفر و شرک و الحاد و نفاق و بیداد است، دفاع از نظام اسلامی از ضروری‌ترین فرایض اجتماعی امت اسلام است؛ زیرا انبیا و اولیای الهی که خلیفه‌الله است برای دفاع از حاکمیت قوانین الهی خون دل‌ها خوردند رنج‌ها کشیدند اهانت‌ها را تحمل کردند، شعله‌های آتش و شکنجه‌های زندان را به جان و دل خریدند، برای دفاع از حاکمیت قوانین الهی دردناک‌ترین دردها را تحمل کردند؛ و از شدت ناراحتی در تاریکی شب با چاه سخن گفتند برای دفاع از حاکمیت قوانین الهی از جان مال و فرزندان خود گذشتند و با خونشان صحراها را رنگین کردند تا این نهال مقدس آبیاری شوند. برای دفاع از حاکمیت قوانین الهی در برابر تمام رنج‌های اسارت و داغ عزیزان خود نه تنها صبر کردند بلکه تمام این رنج‌ها را زیبا دیدند. این جریان ادامه پیدا کرد و در این راه صدها عالم و دانشمند و هزاران مجاهد فی سبیل الله جان مال و فرزندان خود را از دست دادند. بدون تردید دفاع از دین و

ارزش‌های آن بدون یک حکومت قدرتمند دینی امکان‌پذیر نیست. حفظ ارزش‌های دینی و اجرای قوانین الهی نیازمند به نظام اسلامی است.

۱-۳- عدالت محوری: همه انسان‌ها از آغاز تاکنون در اندیشه برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه با ستم بوده است و همچنین بعثت انبیاء و تشریح ادیان الهی با هدف تحقق قسط و عدل بوده است از دیگر اصول حاکم و همه‌جانبه و فراگیر گفتمان انقلاب اسلامی عدالت است و جامعه مطلوب منطبق در گفتمان انقلاب اسلامی، جامعه‌ای بر اساس عدالت است از این دیدگاه نظام اسلامی بر پایه گفتمان انقلاب اسلامی، نظامی است که در آن قوانین اسلامی و احکام با تمرکز بر عدالت، طراحی می‌شود و مردم، خود با توجه به پیشرفت فرهنگی جامعه، در اجرای عدالت مشارکت می‌کنند.

و چنان‌که در قرآن آمده «وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (قصص: ۵۹)؛ و ما هیچ شهری را از بین نبردیم جز آن‌که ساکنان آن ظالم و ستمگر بودند از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که ظلم و بی‌عدالتی در جامعه موجب زوال و هلاکت جامعه خواهد بود. حضرت امام خمینی(ره) در صحیفه نور، جلد(۱)، ایجاد عدالت، آزادی و استقلال و احیای هویت بومی را یکی از اهداف حکومت اسلامی برشمرده است. تمام اقشار ملت و مستضعفین به حقوق حقه خودشان می‌رسند اگر احکام اسلام پیاده شود ستم و ظلم ریشه کن می‌شود، و عدالت اسلامی در جمهوری اسلامی فراگیر خواهد شد. همچنین عدالت اجتماعی رفتار عادلانه حکومت‌ها با ملت‌ها است.

۱-۴- وحدت و انسجام: مؤلفه دیگری که در گفتمان انقلاب اسلامی مهم است وحدت و انسجام است. سنت همیشگی الهی بر این تعلق گرفته که اتحاد رمز عزت و پیروزی ملت‌ها و اختلاف و تفرقه رمز ذلت و خواری ملت‌هاست اسلام که دین عقل و منطق است دین رحمت و مهربانی است و فلسفه وجودی‌اش برای نجات و سعادت ابدی بشر است وحدت امت اسلامی را مهم‌ترین عامل عزت و قدرت جامعه اسلامی معرفی نموده است احکام اسلام مملو از مفاهیمی است که مسلمانان را به وحدت دعوت نموده و از تفرقه و اختلاف بر حذر داشته است. قرآن کریم از اتحاد به‌عنوان نعمت الهی یاد نموده است. و امت اسلام را امت واحد می‌نامد و آنها را برادر یکدیگر می‌خواند و از آنها می‌خواهد در امور خیر و تقوا مددکار هم باشند و با تمسک به حبل متین الهی هرگونه اختلاف و تفرقه را کنار بگذارند. زیرا تفرقه و نزاع شما را سست می‌کنند و قدرت و اقتدار شما را از بین می‌برند. امام خمینی(ره) این شخصیت فرزانه جهان اسلام در صحیفه نور جلد ۱۸ فرمودند:

«اگر مسلمانان وحدت کلمه خود را حفظ نمایند و به دستورات اسلام رفتار کنند و از اختلاف و درگیری که باعث شکست آنها است دست بکشند از اجحاف و تعدی دشمنان اسلام در امان خواهند ماند و دست شرق و غرب را از سرزمین عزیز مسلمانان قطع خواهند کرد».

بدون شک رمز بقای انقلاب اسلامی انگیزه الهی و هدف عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور وحدت و همبستگی می‌باشد و فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف رمز پیروزی و بقای انقلاب اسلامی است.



۱-۵- عزت و آزادی: یکی دیگر از مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی عزت و آزادی است. گرچه فطرتاً هر انسانی به دنبال عزت و افتخار استقلال و آزادی است در قرآن در آیات متعدد خداوند می‌فرماید، مواظب باشید که این نعمت بزرگ را از شما نگیرند عزت و سربلندی از آن خدا و رسول او و مؤمنان است مواظب باشید که استکبار بر شما مسلط نشود آزادی را از شما نگیرد عزت شما را پایمال نکند و برای حفظ عزت و آزادی خود با کفار و مستکبرین جهان خوار جهاد و مبارزه کنید. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) در این باره فرمودند: عزت این است که نظام اسلامی و جامعه در هیچ‌کدام از ارتباطات بین‌المللی خود نباید به نحوی برخورد کند که به حقیر و خوار شدن اسلام و مسلمانان منجر شود و در سخن دیگر می‌فرماید: ما عزت خود را که به‌وسیله‌ی اسلام و نظام اسلامی و حرکت انقلابی و نگاه انقلابی و آرمان‌های انقلابی به‌دست آمده است از دست نخواهیم داد امروز دشمنان مشغول چالش هستند و هر روزی یک جور چالشی را در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهند؛ ما ابایی نداریم ما بی‌می‌نداریم» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۰/۱/۲۴).

## ۲- مؤلفه‌های هویت ملی

عناصری مثل سنت‌های مشترک فرهنگی، ملیت و نژاد خاص، مذهب شیعه، نژاد، سرزمین، تابعیت، زبان فارسی، علاقه به وطن و افتخار به دین و مفاخر فرهنگی و اعیاد و مناسک مذهبی مشترک فرهنگی و تاریخی، همچنین دین اسلام و اقتصاد مؤلفه‌های از هویت ملی، شمرده شده‌اند (احمدی، ۲۰۰۸: ۱۳۴). در ترکیب مؤلفه‌های هویتی با مؤلفه‌های ملت، حاصل آن وحدت و ارتباط متقابل بین عده‌ای از انسان‌ها به نام ملت پدید خواهد آمد. بنابراین وجه تمایز ملت، وجود همبستگی و انسجام درونی و تفکیک و تمایز نسبت به جوامع هم سطح دیگر است. ملت به مفهوم فرهنگی و یا سیاسی عالی‌ترین و وسیع‌ترین اجتماعی است که دارای هماهنگی و همبستگی و انسجام است، خواه این انسجام ناشی از عوامل جامعه‌پذیری و وضعیت اجتماعی در گذشته باشد و یا این که ناشی از اوضاع کنونی مهم همگرایی و همبستگی کنونی است. بدیهی است در صورتی که دو مفهوم ملت بر یکدیگر منطبق باشند و اعضای یک اجتماع هم دارای شاکله‌های ملت فرهنگی - تاریخی و هم برخوردار از عناصر ملت سیاسی باشند، همبستگی و همگرایی در بین آنان بیشتر از سایر ملت‌ها خواهد بود (احمدی، ۲۰۰۸: ۱۰۲). این مؤلفه‌ها در ابعاد ذیل بررسی شده است.

۲-۱- بعد اجتماعی: مؤلفه اجتماعی هویت ملی با وضعیت ارتباطات اجتماعی هر شخص با سیستم کلان اجتماعی همبستگی دارد. هویت جمعی فرد در سطح ملی در صورت تقویت مناسبات و روابط فرد با جامعه، شکل می‌گیرد و اصطلاحاً «مای ملی» ایجاد می‌شود (نفیسی، ۲۰۰۰: ۱۹۹). در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی فرد با نظام اجتماعی، بعد اجتماعی هویت ملی را تشکیل می‌دهد، اعتقاد به ضرورت وجود جامعه ملی، همچنین احساس تعلق خاطر مشترک و تمایل تعهد افراد به «مای ملی»، یا اجتماع ملی، در بعد اجتماعی هویت ملی در انقلاب اسلامی ایران، تأثیرات بسیاری را بر جای گذاشته است. توجه نسبت به مبانی همکاری و همبستگی اجتماعی، پذیرش یکدیگر به‌عنوان هموطن، علاقه در باب ریشه‌های اجتماع ملی، اعتقادات راجع به سرنوشت و آینده جامعه،

افتخار به عضویت در این جامعه و تمایل به پرداختن هزینه‌های لازم برای عضویت خود و ادامه حیات این اجتماع، توجه به جایگاه و نقش مردم در جامعه و نقش آنها در ارتباط با حکام در ساختار سیاسی و به عبارتی مردم سالاری دینی، ایجاد اعتماد کامل بین اعضای جامعه، امنیت اجتماعی و قضایی و برقراری حقوق مساوی برای مردم، ایجاد روحیه وحدت و برادری، مشارکت در نظام تقسیم کار، اعلام رضایت عمومی از اوضاع موجود، باور به وجوب یکپارچگی و ارتباط سیاسی و اجتماعی تمام جامعه سیاسی ایران، حمایت از ادغام و ارتباط سیاسی از مؤلفه‌های اجتماعی هویت ملی بوده است (رهبر، ۲۰۲۳: ۷۵).

۲-۲- بُعد تاریخی: بُعد تاریخی هویت ملی عبارت است از شناخت مشترک افراد یک جامعه از پیشینه تاریخی و احساس دلبستگی و تعلق خاطر به آن و دانستن مهم‌ترین حوادث و آشنایی با شخصیت‌های نقش آفرین تاریخ که همان دانش تاریخی است، در واقع وجود اشتراک تاریخی مهم نیست. بلکه احساس مشترک تاریخی و عواطف مثبت و منفی به حوادث و اشخاص تاریخ‌ساز و تعلق خاطر تاریخی و میزان اهمیت دادن به تاریخ اثرگذار است. اعضای یک ملت نسبت به گذشته خود باید ارزش‌گذاری مشابه تفسیری همانند و تعلق مشترک و تعهد مناسب داشته باشند نه این‌که واقعاً وقایع مشترک داشته باشند، چه بسا افراد جامعه دارای حوادث و وقایع مشترک در گذشته می‌باشند. اما به علت تفسیر و ارزش‌گذاری متعارض و متفاوت آن اشتراک حوادث سبب جدایی و افتراق اجتماعی می‌شود. که نتیجه آن موفقیت فعالیت‌ها و اقدامات شخصیت‌های مؤثر و مثبت در تاریخ کشور، برخورد مثبت و افتخارآمیز با آن و یا احساس غرور یا سرافکندگی و ناراحتی و تحقیر شدن است (حاجیان، ۲۰۰۰: ۱۹۷).

۲-۳- بُعد جغرافیایی: تعریف هویت در بُعد جغرافیایی عبارت است از جایگاه مشخصی در نظام و نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ما ساکن یک سرزمین و کشور معین هستیم و هستی محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می‌آید؛ عنصر سرزمین که با اقتصاد و سیاست پیوند نزدیک دارد. دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین مشخص می‌شود شاخصه‌های متعدد دارد که عبارتند از: آمادگی برای دفاع از سرزمین در زمان بروز شرایط سخت و خطر، همچنین پذیرفتن سرزمین مشخص به‌عنوان کشور واحد، بقاء را برای شخص معلوم می‌سازد. به این معنی که تنها با وجود آن سرزمین مشخص رسیدن به اهداف و رفع نیازهایش متصور خواهد بود. و برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص و علاقه‌مندی به یکپارچگی سرزمین در آینده، رویکرد و نگرش مثبت به سرزمین خود، همچنین احساس آرامش و آسایش ضرورت تام دارد (ریانی، ۲۰۰۹: ۶۹).

۲-۴- بُعد فرهنگی: مقصود از فرهنگ مجموعه‌ای شامل ارزش‌ها، اعتقادات و احساسات، نمادها، هنجارها و رویکردهایی است که در زمینه خانواده، مذهب، جامعه‌پذیری، اقتصاد، سیاست و تفریحات در بین مردم یک جامعه به شکل وجدان جمعی درآمده است. فرهنگ علاوه بر بخش ذهنی دارای

بخش عینی نیز هست که برخی از آن به‌عنوان تمدن نام می‌برند و به‌صورت میراث فرهنگی در اختیار یک جامعه هستند. میراث فرهنگی همه ابعاد فرهنگی هر نظام اجتماعی را دربر می‌گیرد. و نشانه‌های تاریخی یک فرهنگ و یک ملت به‌شمار می‌رود. ارزش‌گذاری جامعه نسبت به میراث فرهنگی و قضاوت آنها نسبت به ضرورت حفظ و نگهداری و کاربرد آن در جامعه نیز جزء هویت ملی است. که طی مراحل جامعه‌پذیری به نسل‌های بعدی در گذشته تاریخی شکل گرفته و منتقل می‌گردد و نسل‌های جدید آن را به‌عنوان میراث گذشته به ارث می‌برند (گل محمدی، ۲۰۰۱: ۶۳).

۲-۵- بُعد سیاسی: مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی را هویت سیاسی تشکیل می‌دهد. در بُعد سیاسی هویت ملی به این معنی است که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک نظام یا ساختار سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و مخاطب قوانین آن کشور هستند، عامل مهمی در تقویت همبستگی و پیوند ملی خواهند بود، در واقع اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی واحد بر کل جامعه ایران، علاقه قلبی به یک سیستم سیاسی دارای ارزش‌های همه‌پسند در کشور، دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی، اعتقاد و ارزش‌گذاری به‌وجود یک ساختارسیاسی یکپارچه از تاریخ گذشته، حمایت از سیاست‌های کلان کشور از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی در بُعد سیاسی می‌باشد. از این‌رو، عشق و علاقه عمیق درونی به یک نظام سیاسی و اصول ارزشی و موجه بودن آن شاخص قدرتمندی برای تشدید ارتباط و پیوند ملی و مبانی ارزشی و مشروعیت آن می‌باشند (یوسفی، ۲۰۰۱: ۱۳۷).

### ۳- تأثیر مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی بر مؤلفه‌های ابعاد هویت ملی

انقلاب ایران، نقطه آغاز قواعد اندیشه‌ای جدید است و گفتمان انقلاب اسلامی در مسیر انقلاب شکل می‌گیرد و بر راهبردها و نگرش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. در این انقلاب، فکر و اندیشه امام خمینی (ره) به دلیل این‌که اعتبار و قابلیت دسترسی داشت توانست بر گفتمان‌های رقیب پیروز شود. پیروزی انقلاب اسلامی و برتری یافتن گفتمان جدید نتیجه دو بُعد فکری امام (ره): یکی احیای دیانت و سنت و دیگری اصلاح جامعه بوده است. عناصری نظیر قانون‌مداری، تلاش برای عدالت و برابری، استقلال، مردم‌سالاری دینی، جمهوریت و روحانیت، رد غرب‌گرایی و بازگشت به اصالت و خویشی، خوداتکایی، آزادی، مبارزه با استبداد و استعمار، شهادت طلبی و ایثار، علم‌گرایی و پیشرفت، حمایت از مستضعفین و... همه این مفاهیم دور از مرکزیت گفتمان انقلاب اسلامی و ولایت فقیه، با هم تنها زنجیره‌ای از ارزش‌هایی است که به‌وجود می‌آورند (مک دامل، ۲۰۰۱: ۵۴).

لاکلاو و موفه با مضمون گفتمان، به گروهی از شمارگان، اشیا، اشخاص و ... اشاره نموده‌اند که حول یک دلالت بنیادین و اساسی ایجاد شده است. به‌گونه‌ای که هر گفتمان، تأثیراتی را بر جامعه گذاشته و به تمام موارد در یک بدنه از سیستم مفاهیم، مضمونی ویژه می‌دهد. با این تعبیر، هویت‌ها در جامعه تأثیرمی‌پذیرند و در واقع گزاره‌ای روشن به وسیله گفتمان، پدید می‌آید. سؤال اصلی پژوهش این است که تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی چگونه بوده است؟ همان‌طور که از نظریات

محققان پس از انقلاب حاصل شده است، مؤلفه‌های هویت ملی شامل هویت دینی، ایرانی و متجدد می‌شود و به این ترتیب بر مبنای آرای طرح شده در خصوص مؤلفه‌های هویت کلی که تا حدودی در میان مؤلفه‌ها دارای اشتراک هستند، عناوینی مثل مؤلفه‌های دینی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی را هم دربر می‌گیرد. هدف، بیان اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران و مؤلفه‌های هویت ملی می‌باشد و نیاز است در اینجا به مؤلفه‌هایی از این ابعاد و تأثیرات و نتایج آن‌ها پرداخته شود.

۳-۱- ارتقای احساس عضویت در جامعه ملی- ایرانی: در بُعد اجتماعی هویت ملی در ارتقای احساس عضویت در جامعه ملی- ایرانی باید به دین به‌عنوان عامل حقیقی وحدت در جامعه ایرانی توجه نمود. رهبر معظم انقلاب نیز تأکید دارند که تکیه‌گاه نظام اسلامی «ایمان عمیق اسلامی» آحاد مردم است. با توجه به این که اکثریت قاطع مردم مناطق مرزی مسلمان هستند، این فرصتی برای بهره‌گیری از این عامل وحدت‌بخش برای ارتقای هویت ملی مردم این مناطق است. از سوی دیگر به دلیل معاشرت‌های همه‌جانبه به‌عنوان مثال خانوادگی، اجتماعی و مالی در جوامع میهنی، گونه‌ای در هم آمیختگی در کشور پدیدار شده است. اگرچه وسعت جغرافیایی گسترده ایران و پهناوری بسیار آن و موقعیت طبیعی آن موجب گردیده است فرهنگ‌های منحصر به فرد، میان افراد منطقه‌های گوناگون به‌خصوص، در نواحی مرزی پدیدار نشود. ولی مهاجرت‌های گوناگون در این وسعت جغرافیایی، سکنه نقاط گوناگون را از منظر مرکزی خویش بالاتر بوده و در نواحی گوناگون این سرزمین گسترانده است. به‌طور نمونه می‌توان به حضور اقوام مختلف در سراسر کشور اشاره نمود که عملاً جداسازی قلمروی جمعیتی و فرهنگ در رسته‌های هویتی را با مشکل مواجه نموده است. افزون بر مهاجرت‌ها، موضوع پیوندهای زناشویی بین فرهنگی بر این در هم آمیختگی دامن زده است. به‌گونه‌ای که خیلی، نمی‌توان رسته هویتی (مذهبی، قومی، طبقه‌ای و...) را یافت که سره باشد. این در هم تنیدگی جامعه ایرانی که مردم مناطق مرزی را نیز شامل می‌شود، فرصت و بستر مناسبی برای تقویت هویت ملی را از بُعد اجتماعی فراهم می‌سازد (دارابی، ۲۰۰۳: ۱۵۵).

با وجود این فرصت‌ها در بُعد اجتماعی، برخی مشکلات در مناطق مرزی وجود دارد که ارتقای هویت ملی در این مناطق منوط به رفع آن‌هاست. اهل سنت کشور، عموماً در مناطق مرزی غرب و شرق کشور و برخی از مناطق جنوب زندگی می‌نمایند. وجود اختلافات مذهب پایه در این مناطق گویای وجود سطحی از حساسیت‌های مذهبی در جامعه به‌ویژه این مناطق است. این در حالی است که تاریخچه این مناطق در سده‌های گذشته کمتر شاهد این نوع اختلافات بوده است. مشکل دیگری که این مناطق با آن مواجه هستند و به نوعی در بروز اختلافات مذهبی نیز مؤثر است، تهاجمات فکری و عقیدتی و تأثیرات برون‌مرزی و بالتبع افراطی بر این مناطق است. این تهاجمات، بیشتر در قالب رسانه‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی انجام می‌پذیرد (ذوعلم، ۲۰۰۰: ۱۶۸).

در بُعد اجتماعی هویت ملی در ارتقای احساس عضویت در جامعه ملی- ایرانی باید به نقش و عضویت همه ایرانیان در شکل‌گیری فرهنگ ملی به‌عنوان یک فرصت توجه نمود. زمینه پایدار و دارای نقاط اشتراکی در فرهنگ ایرانی، موجب شده است که ایرانیان در عین این‌که پستی‌ها و بلندی‌های گوناگونی را پیش‌رو داشته‌اند، به‌طور پیوسته هستی خود را در ابعاد اجتماعی و فرهنگی حفظ کنند. این موضوع، حتی در زمان‌هایی که حکومت منفردی هم وجود نداشته است، یا فرمانروایان گوناگونی حکمرانی کرده‌اند نیز صادق بوده است. پدیدار شدن سیستم معنایی دارای اشتراک و عقاید مفرد در زمان‌های گذشته، افزون بر این‌که رسته‌های متعدد اقوام ایرانی را قسمتی لاینفک از جامعه‌ای ساختار یافته و تاریخی به‌همچون کشورمان نموده است، هویت ایرانی را هم به یک هویتی بالاتر از یک قوم تبدیل کرده است (زهیری، ۲۰۰۳: ۱۴۱).

۳-۲- اعتقاد به وحدت ملی در جامعه ایران: با وجود تنوع گسترده قومی و همچنین کثرت عناصر هویتی، مسئله سیاست‌گذاری در زمینه هویت و وحدت از اهمیت زیادی برخوردار است گفتمان انقلاب اسلامی در زمینه وحدت ملی به دلیل ابتدای توأمان بر عناصر اصیل هویت ملی و اسلامی، با دو گفتمان باستان‌گرا و غرب‌گرا مواجه است و درست بر اساس همین غیریت‌سازی بود که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. وحدت ملی در گفتمان انقلاب اسلامی نتیجه همسان‌سازی فرهنگی اعضای اجتماع است که بقای جامعه و هویت مستقل اجتماع را تضمین می‌کند. آنچه در این میان اهمیت دارد، تبیین الگوهای ایجاد و تقویت وحدت ملی است؛ به‌ویژه در ایران، «بابی سعید» در این زمینه می‌نویسد: «امام خمینی(ره) برای تبیین طرح سیاسی در حالی که اسلام را هم نشانه مخالفت با قدرت جهانی غرب و هم نماد مخالفت با نظام‌های ناسیونالیستی می‌دانست، بدون آن‌که به نظریه سیاسی غرب توجه نماید توانست شاه را از قدرت سرنگون کند» (سعید، ۲۰۰۰: ۱۷۲). در جوامعی که این الگو اجرا شود، خطوط تمایز فرهنگی و اجتماعی کاهش می‌یابند و اعضای جامعه در سیاست‌های همانندساز دولت برای تحول و تغییر یکسان می‌شوند (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۲۰۱۱: ۱۰۷). هدف سیاست همگون‌سازی را ایجاد یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی، فرهنگی و مذهبی می‌دانند. یکسان‌سازی بر این فرض اساسی بوده که می‌توان به راحتی هویت جمعی انسان‌ها را تغییر و آن را در یک ساختار جدید هویتی ایجاد نمود (صالحی امیری، ۲۰۰۹: ۱۴۲). در این الگو اقلیت‌های قومی و در برابر مشابه‌سازی و ادغام؛ مقاومت نشان می‌دهند، در نتیجه جامعه همواره دستخوش ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ممکن است یک اقلیت قومی، مذهبی بدون هیچ‌گونه مشارکت‌پذیری بر اکثریت حکومت کند (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۲۰۱۱). در ایران نیز الگوی حاکم بر مناسبات عصر پهلوی نیز نشانگر یک سیاست یکسان‌ساز اجباری بوده است. در واقع وحدت ملی در آن دوران بر اساس؛ نفی قومیت‌های ایرانی، لهجه‌های محلی، عناصر هویتی اسلامی و ... استوار بوده است. الگوی یکسان‌سازی فرهنگی، می‌تواند وحدت ملی را در کوتاه‌مدت حفظ کند، اما در بلندمدت ممکن است منجر به تشدید اختلافات، ضعف همبستگی ملی و تجزیه‌ای در جامعه شود.

۳-۳- ارتقای میل دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی: بی‌تردید، اعتلاء و صعود هر سیستم اجتماعی در گروی ارتباطات سیاسی و همکاری همگانی مردم آن اجتماع امکان‌پذیر است. محققان علم جامعه‌شناسی، ایجاد پیوند سیاسی اجتماع را برگرفته از مؤلفه‌هایی مثل عقاید و عواطف اشتراکی و موازنه و سازکاری میان عقاید و منزلت‌ها بر می‌شمرند و ریشه اساسی افتراقی افراد را مبارزه و عدم وجود امکانات مادی می‌دانند. از منظر اسلام، عواملی همچون همبستگی سیاسی، همکاری همگانی در حد تئوری و عملی دانش، سازگاری، همدلی و انسان دوستی می‌باشد و شاخص‌های تهدیدگر آن را بدگمانی‌ها، تهمت‌ها و تمایلات نفسانی می‌داند. در واقع دستیابی به انسجام اسلامی، بدون یک قاعده پایه و تشکیل زیرساخت‌های آن در نظام اجتماعی و سیاسی جامعه یا فراقلمی غیرممکن است و عینیت نمی‌یابد. در هر جامعه‌ای، اتفاق و ارتباطات مردم، نتیجه مساعی اشتراکی به منظور نیل به هدف‌های ملی بوده است و از ایجاد سرکشی‌ها و کینه‌ورزی‌ها ممانعت می‌نمایند. این موضوع با اهمیت، مسیر نیل به خوشبختی را که هدف اصلی است هموار می‌سازد. محققان علوم سیاسی، همبستگی ملی را از اصول قدرت سیاسی بر شمرده‌اند که از نحوه واکنش افراد در مبارزه برای سرمایه‌های ملی و مصلحت کشور روایت می‌کند (جعفریان: ۲۰۰۳، ۱۴۹). «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» از پایه‌های اصلی یک مجموعه دینی و یکی از ارکان زیربنایی است که نظام بر آن استوار می‌باشد. به صورتی که امام خمینی(ره) سمبل پیروزی انقلاب را در یکپارچگی مختصر کرده‌اند و بر اساس عقیده ایشان، انجام همه احکام، قوانین و موضوعات سیاسی، اجتماعی اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی و نیز عبادی و اعتقادی اسلام بی آن شکل نمی‌گیرد و اگر همه مردم در راه رسیدن به مفاهیمی مثل عدل و آزادی هم رأی و یکی نباشند، حتی اگر ائمه معصوم حاکم باشند، ممکن نیست هیچ یک از مفاهیم فوق‌الذکر تعبیر و میسر شود. از جمله چالش‌های عظیم و بنیادین اجتماع و نظام ما در این موضوع ریشه دارد که متأسفانه اصل همبستگی در اجتماع ما از یاد رفته است و به جای آن دشمنی، برانگیختن زودرنجی‌های سیاسی و قومی و لجبازی‌ها و جنگ افروزی، خشونت و کینه داده است. نوشته‌ها، لهجه‌ها، گروه‌بندی‌ها، موضع‌گیری‌ها و خصوصاً سیاست‌های داخلی و خارجی کشور سرشار از تندی و تندروی و کوتاهی‌ها، در جهت از بین بردن وحدت ما بین خانواده انقلاب می‌باشد. ایران اسلامی، امروز بیشتر از قبل، نیاز به همراهی، یکپارچگی، دوستی و همبستگی میان همه مردم می‌باشد. در مواقعی که از یک طرف، دشمنان ایران در خارج از کشور، از هیچ تلاشی روی گردان نیستند برای از بین بردن عزت مردم ایران و از طرفی ایرانیان به دلیل دستاوردهای علمی و ملی در آستانه ورود به شرایطی تازه و افتخارآفرین خویش به سر می‌برند، این تهدیدها معنای تازه‌ای به خود گرفته است. ایران اسلامی متعلق به همه ایرانیان است. از هر گروه، نسل و زبانی در سال وحدت ملی و انسجام اسلامی نظر و دقت بیشتر در نگهداری احترام گروه‌های گوناگون اصیل ایرانی و ممانعت از جدایی‌اندازی و ایجاد اختلاف میان گروه‌ها از نکات ضروری در نظام اسلامی و ایران متمدن است. در تاریخ انقلاب اسلامی نتایج اتحاد در صحنه‌های مختلف نشان داده است و این امر

در تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در هویت ملی در ایران بسیار تأثیر گذاشته است؛ نتیجه ارتقای میل دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی باعث خواهد شد که مجموعه احزاب گروه‌ها در کشور و مذاهب مختلف باید ارتباط خود را بر اساس ارزش‌ها و اصول مشترک تنظیم کنند. وقتی مسئله وحدت و همبستگی جهان اسلامی مطرح می‌شود، همه باید به یکدیگر کمک کنند و با همکاری، بلوغ سیاسی و رشد اخلاقی و معنوی در کل جوامع اسلامی و کشورها به وجود خواهد آمد. حفظ اتحاد و همبستگی اسلامی، عامل اصلی قدرت و اقتدار بیشتر امت اسلامی است (رجائی، ۲۰۲۳: ۹۸).

۳-۴- ارتقاء اصل همگرایی فرهنگی عدالت محور: حکومت موظف است حقوق همه اقلیت‌های قومی نظیر زبان، سنت‌ها و مناسک را رعایت کند. و باید از تصویب قوانین و مقرراتی که با علاقه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گروه‌های اقلیت مغایر است، خودداری کرد. در این محیط و شرایط معمولاً ارتباط بین گروه‌های اجتماعی، قومی، فرهنگی و مذهبی به صورت مسالمت‌آمیز است و در چارچوب ترتیبات حقوقی و نهادی که حقوق اقلیت‌ها و اکثریت را تضمین می‌کند، انجام می‌شود (ابوطالبی، ۱۹۹۹: ۷۹). از سوی دیگر وجود ارزش‌هایی والا و هنجارهای اصیل در این الگو پذیرفته است. این الگو نوعی از تعامل و تعالی فرهنگی است که به کمک زبان مشترک و وحدت ملی چارچوب فراگفتمانی جامعه را تشکیل می‌دهند. براساس این الگو، در عین این‌که به ارزش‌های محلی خواست‌های قومی و مذهبی همگان احترام گزارده می‌شود. با توجه به مبانی هویتی ایرانی باید تأکید نمود که الگوی وحدت ملی در گفتمان انقلاب اسلامی یک همگرایی فرهنگی بر اساس هویت ایرانی و ارزش‌های اسلامی است. بر این اساس الگوی وحدت ملی در ایران، جز از طریق ایجاد ساختار هویتی و تأکید همزمان بر اسلامیت و ایرانی‌ت امکان‌پذیر نیست. در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ضمن توجه بر تمامیت ارضی جمهوری اسلامی به‌ویژه حفظ آزادی و استقلال لایه‌های مختلف ساختارهای ایرانی و اسلامی رعایت شد و روابط عادلانه بین ادیان، اقوام و اقلیت‌ها مورد توجه قرار گرفت. به‌عنوان مثال، اصل پانزدهم قانون اساسی، تنوع قومیتی را در ایران و حقوق اساسی اقوام را برای حفظ هویت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون به رسمیت می‌شناسد. بنابراین، این چیزی است که فضای ایران پس از انقلاب را از دوره قبل متمایز می‌کند. قبل از انقلاب، هویت باستان‌شناسی ایرانی هویت مذهبی و قومی ایرانیان را نفی و طرد می‌کرد، اما پس از انقلاب اسلام‌گرایی بر وحدت و هماهنگی بین دینداری و ملی‌گرایی تأکید داشت؛ این ادغام به معنای باطل شدن هویت قومی نیست. از این‌رو، برخلاف پهلوی اول و دوم، ظهور انقلاب اسلامی به تبلور رویکرد جدیدی به موضوع هویت ملی در جامعه ایران و ظهور وعده‌های الگوی تکثرگرایی عدالت‌محور منجر شد (قاسمی و ابراهیم آبادی، ۲۰۱۱: ۱۰۷)؛ بنابراین هر سیاست‌گذاری فرهنگی سیاسی در جمهوری اسلامی باید بر اساس، اول: همبستگی میان ایرانی بودن و اسلامی بودن، دوم: احترام به تنوع قومی، زبانی، مذهبی و ... در کشور و حفظ آنان در برابر سیاست‌های تهاجم فرهنگی غربی، سوم: توجه به آموزه‌های اسلامی برای معرفی هنجارهای اصیل و عام و چهارم: تقویت نام ساسی مردم‌سالاری دینی قرار گیرد.

۳-۵- حمایت از سیستم‌های کلان کشور و نفی از خود بیگانگی: انقلاب اسلامی، انقلابی اجتماعی است که با محوریت دین، ایجاد شده و با ارزش‌های دینی، ساماندهی گردید و برای جامعه ایران به تولید هویت مستقل و جدیدی منجر گردیده است. علت این امر آن است که، انقلاب اسلامی نمود واقعی هویت ایرانی در اندیشه بازگشت به خویشتن است که با رهبری امام خمینی (ره) تجلی یافت. ایشان با نفی از خود بیگانگی، تمامی تلاش خود را برای معرفی «خود واقعی» به کار گرفته و در توصیف آن بر جایگزینی «انسان ایرانی- اسلامی» و به جای «انسان بیگانه با خود» تأکید نمودند (فوزی، ۲۰۰۰: ۱۱۵). در واقع وحدت ملی در انقلاب اسلامی بر مبنای بازگشت به خویشتن طراحی گردید؛ حضرت امام (ره) ضمن انتقاد از دستاوردهای تمدن غرب، به پروژه گذشته روش‌های مدرن وابسته به آن توجه کرد و سیاست اسلامی را که یک مشکل اخلاقی است، با الگوهای مدرن جایگزین کرد (نجم‌آبادی، ۱۹۹۸: ۳۶۲).

سیاست‌های عدالت‌خواهانه، رویکرد فرهنگی نخبگان دینی، نهادینه کردن ارزش‌های دموکراتیک اسلامی در قانون اساسی، تأسیس نهادهای انقلابی برای رسیدگی به مناطق محروم و توجه به مستضعفان، ارائه سبک زندگی اسلامی، تأکید بر آموزش و پرورش در کنار یکدیگر و... از جمله سیاست‌های اصیل گفتمان انقلاب اسلامی است که ضمن این‌که الگوهای پیشرفت اسلامی را پی می‌گیرند، به جهت ابتدای بر عناصر هویتی اصیل، وحدت جامعه را نیز تأمین می‌نمایند. ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی بی‌گمان نقطه اتکای اساسی نظام و مردم در دوران‌های سخت و عامل اساسی وحدت ملی در برخورد با بحران‌ها است.

جدول ۱: مؤلفه‌های هویت ملی مفاهیم، مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت ملی

مؤلفه‌های انقلاب اسلامی	مؤلفه‌های هویت ملی	یافته‌ها
حفظ اسلام و دفاع از نظام اسلامی	بُعد اجتماعی	۱- اعتقاد و ضرورت نسبت به وجود جامعه ملی- ایرانی ۲- احساس و تمایل به عضویت در جامعه ملی- ایرانی ۳- احساس تعلق و تعهد به حفظ جامعه ملی- ایرانی ۴- پذیرش دیگران به‌عنوان هموطن ۵- نگرش نسبت به مبانی همبستگی و همکاری اجتماعی ۶- اعتقاد به ضرورت وحدت و همبستگی سیاسی و اجتماعی کل جامعه سیاسی ایران ۷- دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی ۸- جایگاه و نقش مردم در ارتباط با حکام در ساختار سیاسی ۹- جایگاه و نقش خود در ساختار سیاسی
عزت و آزادی	بُعد تاریخی	۱- شناخت مشترک افراد یک جامعه از پیشینه تاریخی



		۲- احساس تعلق به دوره‌های تاریخی ۳- احساس افتخار و نفرت نسبت به تعلق و سابقه تاریخی
دفاع از نظام اسلامی	بعد جغرافیایی	۱- دلبستگی و تعلق به سرزمین ایران ۲- آمادگی برای دفاع از آب و خاک در زمان خطر و تعرض به آن ۳- علاقه‌مندی به یکپارچگی سرزمین در آینده
عدالت‌محوری	بعد فرهنگی	۱- ارزش‌گذاری و قضاوت نسبت به میراث گذشته ۲- اعتقاد نسبت به حفظ و تقویت میراث فرهنگی
وحدت و انسجام	بعد سیاسی	۱- اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی واحد بر کل جامعه ایران ۲- علاقه قلبی به یک سیستم سیاسی دارای ارزش‌های همه‌پسند در کشور ۳- دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی ۴- اعتقاد و ارزش‌گذاری به وجود یک ساختارسیاسی یکپارچه از تاریخ گذشته ۵- حمایت از سیاست‌های کلان کشور

### نتیجه‌گیری

بر مبنای بررسی پژوهش حاضر، گفتمان انقلاب اسلامی با هدف احیای ارزش‌های اسلامی در جامعه تحقق یافت. از این‌رو نقشی عظیم در احیای این ارزش‌ها و روحانیت شیعه به رهبری امام خمینی (ره) پیدا کرد، در این راستا تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی یکی از مقوله‌های بسیار مهم و اساسی بوده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر هویت ملی در ایران است.

پژوهش حاضر کوشید به این سؤال پاسخ دهد گفتمان انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ملی در ایران داشته است؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر مؤلفه‌های ابعاد هویت ملی، ارتقای احساس عضویت در جامعه ملی- ایرانی، افزایش اعتقاد به وحدت ملی در جامعه ایران، ازدیاد میل به دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی، ارتقاء اصل همگرایی فرهنگی عدالت محور، حمایت از سیستم‌های کلان کشور و نفی از خود بیگانگی، تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر افزایش دامنه گسترش مخاطبان است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج تحقیق بیانگر آن است که گفتمان انقلاب اسلامی، بینش الهی مبتنی بر آئین اسلام را به بشریت ارائه می‌دهد و اثر چشمگیری در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد، همچنین هویت ملی در سطح کلان عاملی مهم جهت انسجام اجتماعی، حفظ نظم و وحدت تلقی می‌گردد. بنابراین تزلزل و کمرنگ شدن آن، انسجام اجتماعی و پایه‌های همبستگی را ضعیف می‌کند.

در واقع انقلاب اسلامی، بیش از هر مفهومی به تقویت هویت ایرانی و طرد هویت غربی پرداخته است.

گفتمان انقلاب اسلامی که با محوریت اسلام و توجه به نقش مردم در تحولات سیاسی-اجتماعی همراه با رهبری حکیم، فهیم و فداکار دینی، یک نظام معنایی را شکل داد که در این نظام معنایی شامل: عدالت، آزادی با مسئولیت، اخلاق و معنویت، اجرای احکام الهی، مبارزه با ظلم و استکبار، حمایت از مظلوم، بیداری اسلامی، خوداتکایی، استقلال طلبی، پیشرفت همه‌جانبه و... تأکید می‌شود. در این گفتمان ارزش‌های مسلم و ثابتی وجود دارد که حرکت به سمت آن ارزش‌ها، زمینه کمال انسان را فراهم می‌کند. تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در بُعد اجتماعی به این شکل ظاهر شد: توجه به موقعیت و نقش مردم در جامعه و نقش آنها در ارتباط با حکومت در ساختار سیاسی، ارتقای احساس عضویت در جامعه ملی ایرانی، افزایش تعهد به حفظ جامعه ملی ایرانی، ایجاد اعتماد کامل بین اعضای جامعه، ترویج فرهنگ پذیرش مصالح و منابع جمعی بر فردی، افزایش احساس تعلق و عضویت در جامعه، ابراز رضایت عمومی از وضعیت موجود، مشارکت در نظام تقسیم‌کار و ... نام برد. در بُعد جغرافیایی نیز مشاهده می‌شود که علاقه و ارتباط با سرزمین ایران افزایش یافته است. توانمندی به منظور پایداری برای کشور در دوران ایجاد خطر، عشق به ادغام سرزمین و کم شدن گرایش به مهاجرت و ترجیح به این که افراد در کشور خودشان زندگی کنند تا در کشوری دیگر و ... بوده است.

اما در بُعد دینی و فرهنگی، آنچه که از این تأثیرات استخراج شد: نفی مظاهر فرهنگی غرب و مقابله با تهاجم فرهنگی، عمومی شدن آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه، افزایش تعهد به ماهیت دین و منزلت‌های اساسی دین و شمول، این منزلت‌ها را گواهی می‌کنیم، علاقه گروهی به آگاهی‌ها، رسوم، گزاره‌ها و مکان‌های دینی بیشتر شده است مشارکت و تمایل به ظواهر و آیین‌های مذهبی و دینی نیز جایگاه خاصی پیدا کرده است. در نهایت، تأثیر انقلاب اسلامی بر بُعد سیاسی هویت ملی عبارت است از: افزایش دانش سیاسی یا آگاهی از نحوه کار نظام سیاسی، ارتقای میل دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی، تمایل به فعالیت سیاسی، پذیرش مشروعیت و کارآمدی حکومت، اعتماد و اطمینان به نظام سیاسی، وفاداری به نهادهای سیاسی، حمایت از سیستم‌های کلان کشور، اعتماد به ضروری بودن برقراری نظام سیاسی منفرد بر تمام اجتماع، ایستادگی برای ادغام و ارتباط سیاسی، اطمینان به طرز فکر سیاسی هم‌سو با نظام سیاسی دلخواه و مورد اعتماد به شاکله نیرومند مناسب برای میهن، تغییر دیدگاه نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه، تغییر جایگاه کشور در نظام بین‌الملل و دفاع از تصمیم‌گیری‌های سیاسی سیستم سیاسی کشور و افزایش روحیه استقلال طلبی و عدالت‌خواهی و مبارزه با استعمار و استبداد و ... نام برد. در مجموع باید گفت، گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر تمامی ابعاد هویت ملی در ایران تأثیرگذار بوده است و باعث تقویت همه آن‌ها شده است.

## References

- The Holy Quran
- Abutalebi, Ali (1999). "Perspectives on National Integration and Unity", National Studies Quarterly, No. 2 and 3. (In Persian)
- Ahmadi, Hamid (2007). *Identity, Nation and Ethnicity*. Tehran: Human Sciences Research and Development Institute. (In Persian)
- Alikhani, Ali Akbar. (2004). "Identity in Iran, Tehran", published by the Research Institute of Human Sciences. Fawzi, Yahya (2000), Imam Khomeini (RA) and National Identity in Iran", National Studies, No. 4: a61-86. (In Persian)
- Darabi, Ali (2003). *25 speeches about the Islamic Revolution*, by the research and planning of the Islamic Propaganda Coordinating Councils, Tehran, Coordinating publication. (In Persian)
- Gul Mohammadi, Ahmed (2002). *globalization, culture and identity*. Tehran No. (In Persian)
- Hajiani, Ibrahim (2000). "the issue of national identity in Iran", National Studies Quarterly, second year, number 5. (In Persian)
- Hosseinizadeh, Mohammad Ali; Shafii Ardestani, Reza (2016). "Analysis of the time periods of the discourse of the Islamic revolution based on the leadership of Imam Khomeini (pbuh)", *Matin Scientific Research Quarterly (Imam Khomeini and the Islamic Revolution)* No. 77, Volume 19. (In Persian)
- Jafarian, Messenger (2002). *Iran's identity in the struggle of political developments in the last fourteen centuries, in the book Elements of National Identity in Iran*, Tehran, published by the Research Institute of Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Khomeini, Ruhollah (1999). *Sahifa Noor*, Tehran, Center for Publishing and Preservation of Imam Khomeini's Works (RA). (In Persian)
- Leader, Abbas Ali (2023). *An introduction to national identity in the thought of Ayatollah al-Azami Khamenei*, (Maddallah al-Aali) Tehran: Islamic Revolution Publications. (In Persian)
- McDonnell, Diane (2001). *An introduction to discourse theory*, Translated by Hossein Ali Nowzari. Tehran: Farhang Gahdman Publication. (In Persian)
- Miller, David (2004). *Melit*, translated by: Dawood Gharayak Zandi, Tehran: Iranian Civilization. (In Persian)
- Nafisi, Rasool (2001). "Political Culture and National Identity Quarterly of National Studies", Spring No. 5. (In Persian)
- Najmabadi, Afsana (1998). "Return to Islam; From Modernism to Moral Order", *Metin Research Journal*, No. 1: 381-359. (In Persian)
- Qasimi, Ali Asghar and Ibrahimabadi, Gholamreza (2001). "The relationship between national identity and national unity in Iran", *Strategy*, No. 59. (In Persian)
- Rabbani, Ali and others (2009). *mass media and national identity: a case study of Isfahan University students*, *Communication Research Quarterly*. (In Persian)
- Rajaei, Farhang. (2023). *The identity problem of Iranians today*, Tehran: Nei Publishing. (In Persian)
- Rezai Jafari, Mohsen (2013). "Ways of Consolidating and Promoting the Teachings of the Islamic Revolution in the Era of Globalization", *Jahan Aindeh*

- Monthly, National Center for Globalization Studies, Year 4, Number a34. 213. (In Persian)
- Saeed, Babi (2000). *Fundamental fear: Europeanism and the emergence of Islamism*, translated by: Gholamreza Jamshidiha and Musa Anbari, Tehran University. (In Persian)
  - Salehi Amiri, Reza (2009). *National Cohesion and Cultural Diversity*, Tehran: Forum for Assessing the Interests of the System. (In Persian)
  - Sani Ajlal, Maryam (2005). *An introduction to Iranian culture and identity, Tehran, published by the Institute of National Studies*. (In Persian)
  - Smith, Anthony (2004). *Nationalism* (theory, ideology, history), translation: Mansour Ansari. Tehran: National Research Institute. (In Persian)
  - Tajik, Mohammad Reza (2004). *Vesias't Discourse*, Tehran, Humanities Research and Development Institute, Tehran: Office of Social Planning and Cultural Studies. (In Persian)
  - Yousfi, Ali (2001). “inter-ethnic relations and its effect on the national identity of the ethnic groups in Iran“, *National Studies Quarterly*, second year, number 8. . (In Persian)
  - Zahiri, Alireza (2002). *Islamic revolution and national identity*, Qom, published by the Islamic Education Association of Iran. (In Persian)